

موضوع عام: ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء

باسمه تعالی

۲ مقدمه واجب

۲ ثمره بین قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

۲ انکار ثمره وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله از منظر مرحوم آغا ضیاء

۲ اشکال اول: مع الفارق بودن قیاس مقیدات به مرکبات

۳ اشکال دوم: تلازم مبغوضیت کل مجموعه با تحقق نقیض یک جزء

۳ بیان سوم انکار ثمره: حکم به فساد ضد عبادی با ترک اهم

۴ پذیرش بیان سوم از ناحیه مرحوم سید محمد باقر صدر

۴ اشکال اول به بیان سوم انکار ثمره: عدم ملازمه بین ترک ازاله و فعل صلات

۴ اشکال دوم به بیان سوم انکار ثمره

موضوع: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء / ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله / مقدمه

واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ثمره بین قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله بود. مرحوم شیخ یک بیان برای انکار ثمره مطرح کردند و مرحوم آخوند جواب دادند. در جلسه قبل بیان دیگری از مرحوم آغا ضیاء مطرح شد و ثمره را انکار کرد. در این جلسه به بررسی بیان دوم انکار ثمره و طرح بیان سوم انکار ثمره پرداخته می‌شود.

موضوع عام: ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء

مقدمه واجب

ثمره بین قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

انکار ثمره وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله از منظر مرحوم آغا ضیاء

بحث در مورد ثمره مقدمه موصله بود. مرحوم آغا ضیاء این ثمره را انکار کرد. ایشان بیان شیخ را نپذیرفت و فرمود^۱ یک وجود نمی‌تواند دو نقیض داشته باشد و الا ارتفاع نقیضین جایز می‌شود. بیان مرحوم آغا ضیاء این بود که مقید مثل مرکب است؛ یعنی مقید به عدد اجزایش منحل می‌شود. همان طوری که وقتی امر به یک مرکبی تعلق می‌گیرد، به عدد اجزایش منحل می‌شود و هر جزئی وجوب ضمنی پیدا می‌کند، همچنین در مقید انحلال به ذات مقید و تقید پیدا می‌کند و هر کدام از ذات مقید و تقید به طلب ضمنی محبوب می‌شوند. وقتی که اجزاء تحلیل در مقید، مثل اجزاء خارجی در مرکب، وجوب ضمنی پیدا کردند، نقیض آنها نیز حرمت ضمنی پیدا می‌کنند.

در محل کلام بنا بر وجوب مقدمه موصله، مطلوب ما مقید و ترک صلات موصل است؛ یعنی ترک صلات مطلوبیت ضمنی دارد و ایصان نیز مطلوبیت ضمنی دارد. وقتی که ترک صلات که جزء اول است محبوب شد، نقیض آن که فعل صلات است، مبعوض می‌شود. پس بنا بر وجوب مقدمه موصله نیز فعل صلات مبعوض است.

بله اگر قائل به وجوب مطلق مقدمه بشویم، فعل صلات، نهی مستقل دارد و ضمنی نیست؛ زیرا ترک صلات، مقدمه است و ضد آن نیز فعل صلات است و نهی استقلالی دارد؛ اما بنا بر وجوب مقدمه موصله، ترک صلات، وجوب ضمنی دارد و ضد آن فعل صلات است و نهی ضمنی دارد.

اشکال اول: مع الفارق بودن قیاس مقیدات به مرکبات

به نظر ما مقید یک وجود بیشتر ندارد، ما دو مطلوب ضمنی داشته باشیم، تحلیل عقل است. در مقید، وجوب بر حصه مترتب شده است. این که تحلیل بشود وجوب بر ذات و تقید مترتب شده است، تحلیل عقل است. مقیدات با مرکبات تفاوت دارند. در مرکبات، وجوب بر اجزاء خارجی منبسط شده است و هر کدام از اجزاء وجوب ضمنی دارند؛ اما خلاف ارتکاز است مقید که یک مقدمه بیشتر ندارد، دو وجوب ضمنی داشته باشد.

۱. نهاية الافکار، آقا ضیاء الدین العراقي، ج ۱، ص ۳۴۶.

موضوع عام: ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء

اشکال دوم: تلازم مبعوضیت کل مجموعه با تحقق نقیض یک جزء

بر فرض که از اشکال اول چشم پوشی کنیم و بگوییم: ممکن است که مرحوم آغا ضیاء قائل به عدم تفاوت بین مقید با مرکب شود، گفته می‌شود: چه در اجزاء خارجی و چه در اجزاء تحلیلیه وقتی وجوب بر مجموعه ای مترتب شد، معنایش این است که مولا این مجموعه را دوست دارد؛ لذا نقیض آن مجموعه که یک وحدت اعتباری پیدا و مبعوض شده است، عدم این مجموعه است نه این که ترک کل جزء جزء مبعوض باشد.

همان گونه که محبوبیت اجزاء در وقتی بود که مجموع با هم باشند و در حال اجتماع محبوبیت ضمنی دارند، همچنین ترک مجموع در حال اجتماع مبعوض است نه این که نقیض اجزاء در حال افتراق مبعوض باشد. وقتی که مثلاً تکبیر ترک می‌شود، مجموع ترک شده است؛ پس اگر مبعوضیتی نسبت به نقیض جزئی که مکلف آن را ترک کرده است، باشد، مبعوضیت به کل است.

مثلاً اگر کسی تکبیر را ترک کند، ترک تکبیر مبعوض نیست و اگر مبعوضیتی نسبت به ترک تکبیر وجود دارد از این باب است که ترک کل اتفاق افتاده است. در حقیقت محبوبیت کل، مستلزم مبعوضیت انتفاء کل است، نه این که مستلزم مبعوضیت جزء مضاد باشد. مثلاً ترک تکلم جزء نماز است و معلوم نیست که مبعوض مولا باشد؛ بلکه مبعوضیت آن به خاطر این است که تکلم باعث انتفاء مجموعه‌ی مرکب است.

بیان سوم انکار ثمره: حکم به فساد ضد عبادی با ترک اهم

مرحوم آغا ضیاء فرموده است: با توجه به فعل صلات (نه ترک صلات) که مقدمه ترک ازاله است، ما می‌توانیم ثمره را انکار کنیم. بیان مطلب این است: وقتی ازاله واجب شد، ترک ازاله حرام است و علت ترک ازاله، فعل صلات است. به تعبیر مرحوم سید محمد باقر صدر^۱ فعل صلات علت تامه برای ترک ازاله است.

با توجه به این مطلب گفته می‌شود: ترک ازاله بنا بر مسلک اقتضاء، حرام است و فعل صلات هم که علت تامه ترک ازاله است، حرام است. پس چه مقدمه موصله واجب باشد و چه مطلق مقدمه واجب باشد، فعل صلات حرام است؛ چون فعل صلات علت تامه ترک ازاله است و وقتی که ترک ازاله حرام بود، فعل صلات نیز حرام است.

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، ص ۲۶۰.

مقرر: مهدی خیشه

موضوع عام: ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

موضوع خاص: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء

پذیرش بیان سوم از ناحیه مرحوم سید محمد باقر صدر

مرحوم سید محمد باقر صدر بیان سوم را قبول کرده است و نکته آن را این گونه بیان کرده است: فعل صلات مقدمه ترک ازاله است؛ زیرا شما (کسانی ثمره را ثابت می‌کردند) که قائل شدید ترک صلات مقدمه فعل ازاله است و منشا مقدمیت نیز تمناع بود؛ یعنی دو ضد با هم تمناع دارند و عدم هر کدام، مقدمه فعل دیگر است؛ زیرا این مقدمیت از باب عدم مانع است و عدم مانع نیز از مقدمات است. مرحوم صدر فرموده است که بین دو ضد تمناع وجود دارد. مثلاً بین نماز و ازاله تمناع وجود دارد؛ پس همان طوری که عدم نماز مقدمه ازاله است از باب این که عدم المانع مقدمه است، همچنین فعل صلات مقدمه عدم ازاله است؛ چون مانع از او است. برای مقدمیت این مقدار کافی است.

همان طور که تمناع سبب می‌شود که عدم یکی موجب وجود دیگری می‌شود؛ پس وجود یکی هم مقدمه عدم دیگری می‌شود. فرض این است که شما مقدمیت را به ملاک تمناع قبول کردید. تمناع اقتضاء می‌کند که عدم یکی مقدمه وجود دیگری و وجود یکی مقدمه عدم دیگری است.

اشکال اول به بیان سوم انکار ثمره: عدم ملازمه بین ترک ازاله و فعل صلات

به نظر ما ممکن است گفته شود بین عدم و وجود تفاوت وجود دارد. ما می‌گوییم بین نماز و ازاله تمناع هست؛ پس ازاله متوقف بر ترک صلات است؛ اما این که بگوییم لازمه آن این است که ترک ازاله متوقف بر نماز است، صحیح نیست؛ زیرا ملاک ملازمه توقف است. هر چند که اگر بخواهیم ازاله کنیم باید نماز نخوانیم؛ اما اگر بخواهیم ازاله را ترک کنیم متوقف بر نماز خواندن نیست. ممکن است کسی ازاله نکند و نماز هم نخواند؛ بلکه بخوابد؛ پس ترک ازاله متوقف بر فعل صلات است.

اشکال دوم به بیان سوم انکار ثمره

اگر قبول کنیم که فعل صلات مقدمه ترک ازاله است، باز هم ادعای مرحوم صدر صحیح نیست؛ زیرا گفته شد: ازاله واجب است و به حکم اقتضاء ترک ازاله حرام است، اگر ترک ازاله حرام است و می‌خواهید با این حرمت مقدمه اش را حرام کنید دوباره داستان قول به وجوب مطلق مقدمه یا وجوب مقدمه موصله مطرح است؛ زیرا اگر بگوییم مطلق مقدمه حرام است ترک ازاله حرام است و مطلق مقدمه واجب است و نماز هم مقدمه ترک ازاله است و صلات حرام است؛ اما اگر گفتیم مقدمه موصله واجب است چیزی که الان در این جا حرام می‌شود ذات نماز نیست؛ زیرا شما در مرحله قبول کرده اید که اگر مقدمه موصله

۱ بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج ۲، ص ۲۶۰.

موضوع عام: ثمره قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی انکار ثمره از منظر مرحوم آغا ضیاء

واجب باشد، نماز خواندن حرام نیست. در این جا نیز اگر بنا باشد که مقدمه موصله واجب باشد، ترک ازاله حرام است، لازمه اش این نیست که نماز حرام باشد؛ چون شما قبول کردید که در صورت وجوب مقدمه موصله ذات فعل حرام نمی شود. هر فعلی که موصل به ترک ازاله بشود، حرام است؛ پس مطلق فعل صلات حرام نیست. نماز به قید ایصال به ترک، حرام است، نه این که هر صلاتی حرام باشد. شما قبول کردید، ترک ازاله که حرام شد اتحاد با فعل صلات موصل ندارد؛ بلکه مقارنت دارد. پس در صورت حرمت ترک ازاله، فعل صلات حرام نیست. بله، فعل صلات همراه با ایصال به ترک ازاله است؛ ولی چیزی که برای حرمت لازم داریم این است که اتحاد، وجود داشته باشد. صلات موصل متحد با ترک ازاله نیست. مساله ملازمه و مقارنت در این جا زنده می شود. صلات موصل ملازم با ترک ازاله است و قرار شد که ملازمه فایده ای نداشته باشد و برای حرمت عینیت نیاز داریم. اگر عینیت هست که نیاز به این بیان نداریم و اگر نیست این بیان نیز فایده ندارد. به بیان دیگر، وقتی ترک ازاله مبعوض شد، ترک ترک ازاله محبوب می شود. ترک ترک ازاله ملازمه با صلات با وصف ایصال دارد و عینیت ندارد.

ادامه بحث در جلسه آینده